با وجود فشار فزاینده ترامپ بر ونزوئلا پایان بازی روشن نیست

روایت‌های متناقض در کاخ سفید

گزارش

دولت ترامپ به‌سرعت در حال تشدید فشارها علیه ونزوئلا است؛ به‌طوری‌که بزرگ‌ترین ناو هواپیمابر آمریکا، «فورد»، به سمت منطقه کارائیب در حرکت است، با این حال دستیاران ترامپ روایت‌های متناقضی از اهداف واقعی این اقدام ارائه می‌دهند.

نیویورک‌تایمز در گزارشی نوشت، ترامپ طی چند روز گذشته جلسات متعددی را در کاخ سفید برگزار کرده و گزینه‌های نظامی مختلف، از جمله استفاده از نیروهای عملیات ویژه و اقدام مستقیم در داخل ونزوئلا را بررسی کرده است. با این حال هنوز مشخص نیست، تصمیم نهایی او چیست. او تنها در هواپیمای «ایرفورس وان» به خبرنگاران گفت: «تا حدودی تصمیم خود را گرفته‌ام و نمی‌توانم به شما بگویم چیست، اما ما در جلوگیری از ورود مواد مخدر به ونزوئلا پیشرفت زیادی داشته‌ایم.»

این احتمال وجود دارد که ترامپ با تکیه بر نمایش قدرت نظامی، قصد ترساندن دولت نیکولاس مادورو را داشته باشد. در مقابل، مادورو نیروهای خود را در حالت آماده‌باش قرار داده است.

این احتمال وجود دارد که ترامپ با تکیه بر نمایش قدرت نظامی، قصد ترساندن دولت نیکولاس مادورو را داشته باشد. در مقابل، مادورو نیروهای خود را در حالت آماده‌باش قرار داده است

ضد و نقیض های «نیزه جنوبی»

نشانه‌هایی وجود دارد که دولت آمریکا در حال اتخاذ موضعی جدید و تهاجمی‌تر است. اندکی پس از جلسه روز پنجشنبه، پیت هگست وزیر دفاع، در رسانه‌های اجتماعی اعلام کرد، عملیات در کارائیب با نام «نیزه جنوبی» آغاز شده است. او این مأموریت را با عباراتی گسترده توصیف کرد و گفت، هدف آن «حذف تروریست‌های مواد مخدر از نیمکره غربی» است؛ منطقه‌ای که به ادعای او، «خانه ماست و باید از آن محافظت کنیم.»

با ورود ناو هواپیمابر فورد و سه ناوشکن موشک‌انداز نیروی دریایی، شمار نیروهای آمریکایی در منطقه به ۱۵هزار نفر رسید، این تعداد در دهه‌های اخیر بی‌سابقه بوده است. تنها چیزی که کم است، یک توضیح استراتژیک روشن از سوی دولت ترامپ درباره دلیل گردآوری چنین نیروی عظیمی است. پست هگست تنها تازه‌ترین مورد از مجموعه‌ای از اظهارات ضد و نقیض مقامات دولت است.

ترامپ بیش از همه بر موضوع مواد مخدر تأکید کرده؛ اما این توضیح نمی‌دهد که چرا ناو هواپیمابر فورد از شرق مدیترانه به کارائیب منتقل شده و به نیروی آمریکایی با ۱۵هزار ملوان و سرباز، اضافه شده تا به قایق‌های کوچک توقیف‌شده توسط گارد ساحلی حمله کند یا چرا کشورهای اصلی مسیر رود فنتانیل مانند کلمبیا یا مکزیک، هدف این عملیات نیستند. تا کنون، ایالات متحده ۲۰ حمله به قایق‌های تندرو انجام داده و دست‌کم ۸۰ نفر را کشته است؛ عملیاتی که به گفته حقوقدانان ناقض حقوق بین‌الملل است.

نگاه ترامپ به نفت است

ترامپ در جلسات خصوصی با مشاورانش درباره ذخایر عظیم نفت ونزوئلا یعنی حدود ۳۰۰ میلیارد بشکه، بزرگ‌ترین ذخایر جهان، صحبت کرده است. مادورو پیشنهاد داده بود که بخشی از مالکیت این منابع بدون نیاز به اقدام نظامی به آمریکا منتقل شود، اما ترامپ مذاکرات را متوقف کرد. با این حال به گفته یک مقام ارشد دولت، مذاکرات کاملاً متوقف نشده و اعزام ناو هواپیمابر نوعی اهرم فشار برای واداشتن مادورو به امتیازدهی است؛ رویکردی که یادآور «دیپلماسی قایق‌های توپدار» در قرن نوزدهم است. زمانی که قدرت‌های بزرگ از قابلیت‌های دریایی خود برای ارعاب قدرت‌های کوچک‌تر استفاده می‌کردند، از جمله ونزوئلا که هدف محاصره دریایی به رهبری اروپا از سال ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۳ بود. درست زمانی که محاصره در حال پایان بود، نیروی دریایی ایالات متحده برای حمایت از جدایی پاناما از کلمبیا مداخله کرد و راه را برای ساخت کانال پاناما هموار کرد.

در این میان، پرسش مهم این است که آیا ترامپ به دنبال تغییر رژیم در ونزوئلا است؟ مارکو روبیو، وزیر خارجه، در جلسه‌ای با کنگره ادعا کرد که «برکناری مادورو هدف دولت نیست» و گزارش‌های خلاف این را ساخته رسانه‌ها دانسته است. اما ناهماهنگی آشکار در پیام‌ها همچنان ادامه دارد.

یک ناهماهنگی استراتژیک در بین مقامات شکل گرفته است. درست یک روز قبل از اینکه هگست از «نیزه جنوبی» درباره حفاظت از کل نیمکره غربی بگوید، روبیو هدف را عملیاتی به منظور مبارزه با مواد مخدر اعلام کرد که اگر آنها ارسال قایق‌ها را متوقف کنند، هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد. برخی دیگر از تحلیلگران معتقدند، این درگیری در حال تبدیل شدن به آزمونی میان اراده ترامپ و مادوروست؛ الیوت آبرامز، مشاور سابق ترامپ در امور ونزوئلا، اخیراً در واشنگتن گفت: «یا ترامپ پیروز می‌شود یا مادورو. اگر مادورو بماند، ترامپ این رقابت را باخته است.» در کاخ سفید، آنا کلی، سخنگوی دولت، تأکید کرده پیام ترامپ به مادورو روشن است: «ارسال مواد مخدر و مجرمان به آمریکا را متوقف کن.» او افزود، هرگونه تفسیر دیگر «حدس و گمان» است.

سه محور تنش

یک مقام ارشد اروپایی می‌گوید، مقامات آمریکایی به‌صورت خصوصی تأکید کرده‌اند که هدف فعلی، افزایش تنش و آزمایش واکنش مادوروست. اما وقتی درباره خطر انتقال ناو هواپیمابر از خاورمیانه پرسیده شد، پاسخی ارائه نشد. این عملیات همچنین تمرکز نیروی دریایی آمریکا بر چین و اقیانوس آرام را کاهش می‌دهد.

با رسیدن ناو هواپیمابر فورد، حدود ۵ هزار نیرو به ۱۰ هزار نیروی موجود در منطقه اضافه می‌شوند و مجموعه‌ای از جنگنده‌ها و تجهیزات تهاجمی را به همراه می‌آورند. علاوه بر آن، بمب‌افکن‌های B-52 و B-1 نیز در هفته‌های اخیر در نزدیکی ونزوئلا پرواز کرده‌اند و واحدهای عملیات ویژه ارتش نیز تمرین‌هایی در این منطقه انجام داده‌اند؛ همه اینها به‌عنوان بخشی از یک «کمپین فشار گسترده» علیه مادورو محسوب می‌شوند.

دستیاران ترامپ می‌گویند، رئیس‌جمهوری در ظاهر بر تهدید مواد مخدر تمرکز دارد، اما در جلسات خصوصی بیشتر درباره سرنوشت مادورو و نفت ونزوئلا صحبت می‌کند.

پاتریک دادی، سفیر سابق آمریکا در ونزوئلا می‌گوید، اقدام نظامی آمریکا با این ادعا که «قاچاقچیان تروریست هستند» قابل تطبیق است، اما هشدار می‌دهد: «مشخص نیست آیا دولت مبارزه با مواد مخدر را با تغییر رژیم اشتباه گرفته است یا نه. اگر مادورو را به عنوان رئیس یک کارتل و یک فراری تحت پیگرد می‌بیند، این نشان می‌دهد جاه‌طلبی‌های واشنگتن فراتر از رهگیری مواد مخدر است.»

برش

ابهام در اهداف و نگرانی متحدان

مقامات آمریکایی می‌گویند، ترامپ هنوز تصمیمی برای اقدام نظامی نگرفته است، هرچند خود او چند هفته قبل گفته بود «حملات زمینی در راه است.» تا این لحظه، حملات فقط علیه قایق‌های کوچک در آب‌های بین‌المللی انجام شده است؛ حملاتی که برخی آن را «قتل تحت حمایت دولت» می‌دانند. برخی متحدان آمریکا شروع به واکنش به این حملات کرده و می‌گویند، نمی‌خواهند اطلاعاتی که با واشنگتن به اشتراک گذاشته‌اند، برای چنین حملاتی استفاده شود. آمریکا اما ادعا دارد که این حملات قانونی است. مارکو روبیو در واکنش به انتقادها گفت: «جالب است که اروپا می‌خواهد ما برای دفاعش موشک تاماهاک بفرستیم، اما وقتی ناو هواپیمابر در نیمکره خودمان مستقر می‌کنیم، برایشان مشکل ایجاد می‌شود.»

بدون روتوش

محمدمحسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

درباره طرح پیشنهادی ترامپ در شورای امنیت برای غزه

عاموس یادلین از ژنرال‌های شناخته شده اسرائیلی است که بواسطه داشتن سمت‌هایی در امان(شاخه اطلاعاتی ارتش) و ریاست مرکز مطالعاتی امنیت ملی اسرائیل(INSS) تحلیل و یادداشت‌های او بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد.

یادلین در یادداشتی که کانال ۱۲ آن را منتشر کرده است، به چالش‌های مرحله دوم آتش‌بس در غزه پرداخته است. او متن را با اشاره به تلاش ترامپ برای به رأی گذاشتن طرح برآمده‌اش از ایده بیست بندی‌اش برای صلح در غزه (همان طرح شرم الشیخ) در شورای امنیت آغاز می‌کند. این اقدام ترامپ در روزهای اخیر در رسانه‌های عبری مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.

یادلین می‌نویسد: «هدف از این پیش‌نویس، اعطای مشروعیت بین‌المللی گسترده به اقدامات ارائه شده در برنامه است: یعنی تشکیل دولت موقت فلسطینی از تکنوکرات‌ها، ایجاد نیروی ثبات بین‌المللی و شورای صلح، و انتقال تدریجی کنترل به دولت فلسطین.»

یادلین معتقد است متن پیش‌نویس ارائه شده برای شورای امنیت از ابهام عملی شدیدی رنج می‌برد که مهم‌ترین آن خلع سلاح حماس است: «وظیفه نیروی ثبات بین‌المللی (ISF) اطمینان از روند خلع سلاح است، اما مشخص نمی‌کند که در صورت عدم انجام داوطلبانه توسط حماس، چه کسی واقعاً خلع سلاح را انجام خواهد داد. قطعنامه وجود پلیس فلسطینی را ذکر می‌کند، اما وظایف آن را نسبت به ISF مشخص نمی‌کند. به نظر می‌رسد منظور این است که مقابله مستقیم با مسلحین توسط پلیس فلسطینی انجام شود، نه نیروهای خارجی! همچنین هیچ ارتباطی بین بازسازی و تکمیل خلع سلاح وجود ندارد.»

یادلین همچنین معتقد است این طرح با عدم اشاره به مشروط کردن خلع سلاح به بازسازی غزه، عقب‌نشینی اسرائیل از نوارغزه را به گونه‌ای مطرح کرده که وضعیت و ایده کنونی ارتش برای حفظ خط زرد و آزادی عمل را نادیده می‌گیرد.

از دیدگاه یادلین، پیش‌نویس ترامپ شمشیری دولبه است: «از یک سو مشروعیت بین‌المللی به اهدافی مانند خلع سلاح و مدیریت تکنوکراسی می‌دهد اما از سوی دیگر تضمین‌های امنیتی کافی ارائه نمی‌دهد.»

یادلین در نهایت می‌گوید اگرچه فرصت خوبی از منظر همکاری برخی کشورهای عربی برای خلع سلاح حماس پیش روی ماست اما اگر این پیشنهاد تصویب شود، اسرائیل خود را در نقش ثانویه در داخل نوار غزه خواهد یافت و کشورهای عربی عضو و تأثیرگذار بر دولت تکنوکرات و شورای صلح تصمیم‌گیر خواهند بود و هیچ ایده‌ای در صورت عدم تحقق خلع سلاح حماس هم ندارند.

کاپ ۳۰؛ نماد بازپس‌گیری حقیقت از سیاست اقلیمی ترامپ است

آزمون یک جهان متعهد به آینده ای سبز

یادداشت

سید محمد ساداتی‌نژاد
مدیرکل امور بین‌المللی محیط زیست و توسعه پایدار وزارت امور خارجه

نشست کاپ ۳۰ در دو بخش سران و اصلی از ۱۵ آبان ۱۴۰۴ (۶ نوامبر) در بلم برزیل آغاز شد و تا ۳۰ آبان (۲۱ نوامبر) ادامه دارد، مباحث نشست سران، رویکرد برزیل و گفت و گوهای چند روز اول اجلاس نشان از چندین نکته دارد:

۱. کاپ ۳۰ بارها از قول رئیس‌جمهوری برزیل آقای لولا داسیلوا و دیگران به عنوان «کاپ اجرا» (Implementation COP) نامیده شد، لذا کاپ ۳۰ به دنبال ایجاد تعهدات جدیدی نیست بلکه متمرکز بر تقویت و پیگیری اجرای تعهدات قبلی است. در کنار این موضوع تقویت چند جانبه‌گرایی و ساختار و ترتیبات بین‌المللی اقلیمی در جهان که به دلیل سیاست‌های دولت ترامپ تضعیف شده است و اتصال مذاکرات کاپ به زندگی واقعی مردم با تأکید بر جوامع بومی و مردم از دیگر اهداف دولت برزیل به عنوان میزبان کاپ ۳۰ اعلام شده است.

۲. کاپ ۳۰ توسط رئیس‌جمهوری برزیل و دیگران به عنوان کاپ حقیقت (truth) نامیده شد. این نام، آگاهانه و برای بیهوده نشان دادن ادعای ترامپ مبنی بر دروغ بودن تغییرات آب و هوایی انتخاب شد، لذا از اهداف دیگر این کاپ، تمرکز بر معرفی بیشتر خطر تغییرات آب و هوایی است.

۳. مقامات اروپایی به دلیل عدم حضور آمریکا مجبور بودند آمادگی بیشتری برای پذیرش فشارهای وارده از سوی کشورهای در حال توسعه نشان دهند و بار آن بخش از فشار و تعهدی را که آمریکا بواسطه حضور مجبور بود تحمل کند، نیز خود بر دوش بکشند، بنابراین از همان ابتدا این کشورها، بواسطه رویکرد منفی آمریکا و فرار این کشور از بار مسئولیت‌ها و ایجاد تشکیک در خطرات تغییرات آب و هوایی؛ با حضور چشمگیر و پر تعداد سران خود؛ سعی کردند اهمیت تغییرات آب و هوایی را برجسته و با درخواست اتحاد برای اقدام، نرمش بیشتری را در برابر کشورهای در حال توسعه برای مقابله با تغییرات آب و هوایی به نمایش بگذارند.

۴. در نتیجه همین شرایط بود که برای اولین بار کشورهای اروپایی که با فشار فزاینده کشورهای در حال توسعه بویژه کشورهای همفکر (LMDC) روبه‌رو بودند، پذیرفتند تا موضوع ضرورت اجرای ماده ۹.۱ توافق پاریس در مورد تعهد الزام آور کشورهای توسعه‌یافته برای تأمین مالی اقلیمی و بحث ارتقای همکاری بین‌المللی و پاسخ به نگرانی‌های مرتبط با اقدامات یکجانبه در مورد تغییرات اقلیمی در دستور کار کاپ ۳۰ ذیل موضوع ارزیابی جهانی (GST) بحث شود، این انعطاف از سوی کشورهای اروپایی یک قدم به جلو برای کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌شود.

۵. هزینه‌های اسکان و سفر به بلم برزیل موجب مشکلات متعدد برای همه هیأت‌ها شد، با وجود این حضور سران کشورهای فرانسه، بریتانیا، هلند، آلمان، سوئد، شیلی، کلمبیا و دیگر کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین قابل توجه و با برگزاری اجلاس مشترک سران اتحادیه اروپا و آمریکای لاتین (CELAC-EU) بلافاصله بعد از نشست سران کاپ ۳۰ در سانتا مارتای کلمبیا مرتبط بود، حضور قابل توجه سران اروپایی و آمریکای لاتین در کاپ ۳۰ نتیجه رویکرد منفی ترامپ به تغییرات آب و هوایی و عدم شرکت آمریکا در کاپ ۳۰ و تلاش لولا داسیلوا برای جلب مشارکت فعال‌تر اروپایی‌ها و کشورهای آمریکای لاتین برای تضمین موفقیت کاپ ۳۰ و اهمیت موضوع جنگل‌های گرمسیری و منطقه آمازون برای این کشورها ارزیابی می‌شود. برگزاری کاپ ۳۰ در شهر بلم واقع در منطقه آمازون که پوشیده از جنگل‌های استوایی بارانی و مشهور به ریه کره زمین است و انتخاب این منطقه از سوی لولا رئیس‌جمهوری و دولت برزیل به عنوان یکی از مهم‌ترین زیست بوم‌های اقلیمی، تنوع زیستی و جذب کربن در جهان با هدف جلب توجهات و حمایت‌های بین‌المللی در مورد چالش‌های مالی و فنی حفظ و توسعه این منطقه و ضرورت تقویت سرمایه‌گذاری بین‌المللی در آن صورت گرفت. بر همین اساس بود که تمرکز اصلی برزیل در این نشست بر صندوق TFFF برای حمایت از جنگل‌های مناطق گرمسیری و جذب بودجه میلیاردی بود که طبق برآوردها بی‌نتیجه نیز نبود و در جریان تلاش‌های این کشور تا کنون بیش از ۵ میلیارد دلار بودجه داوطلبانه برای این صندوق طی دو روز نشست سران، جمع‌آوری شد.

۶. حضور کم تعدادتر کشورهای در حال توسعه در این نشست با توجه به هزینه بالای بلیت سفر به دلیل دوری مسیر و هزینه بالای اسکان به دلیل برگزاری نشست در شهری عدم برخوردار از امکانات کافی برای میزبانی هیأت‌ها، (بلم) موجب کاهش نقش آفرینی کشورهای در حال توسعه در نشست کاپ ۳۰ شده است، اصرار بر تمرکز کاپ ۳۰ بر تقویت اجرا و اقدامات دیپلماسی عمومی در راستای اقناع افکار عمومی به اهمیت موضوع تغییرات آب و هوایی نیز می‌تواند ناشی از عدم جاه‌طلبی میزبان و کشورهای در حال توسعه نسبت به خروجی این اجلاس باشد.

۷. گزارش‌های حاصله از ارزیابی اولیه ۶۴ گزارش ملی (NDC) ارسالی از سوی کشورهای عضو توافق پاریس، نشان می‌دهد هر چند روند کاهش گازهای گلخانه‌ای کاهش نیافته اما افزایش آن نیز دچار روند کاهشی قابل توجه شده و بر همین اساس کارشناسان اقدامات انجام شده در قالب کاپ‌ها و توافق پاریس را مثبت قلمداد می‌کنند.

۸. هر چند کشورمان عضو توافق پاریس نیست ولی آن را امضا کرده است، از سویی جمهوری اسلامی ایران به دلیل اقدامات قهرآمیز یکجانبه دولت‌های غربی، با چالش‌های جدی در زمینه اجرای تعهدات خود و حفاظت از محیط زیست و پذیرش تعهدات جدیدتر روبه‌رو است، با وجود این کشورمان در جهت کاهش گازهای گلخانه‌ای و کربن زدایی، افزایش روی‌آوری به انرژی‌های تجدید پذیر و مدیریت منابع آب و کاهش آثار تغییرات آب و هوایی و تقویت سازگاری و تاب‌آوری گام‌های مهمی را برداشته است.

بن ریل BONRAIL

آگهی دعوت به مناقصه عمومی نوبت دوم و مذاکره احتمالی
"نظافت داخلی و شستشوی بدنه بیرونی واگن‌ها در ناحیه تهران، مشهد و نواحی"
شماره ۱۱۶-۰۷-۰۲-۰۴

شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد (بن‌ریل) در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه به‌شرح زیر اقدام نماید:
۱) موضوع مناقصه: نظافت داخلی و شستشوی بدنه بیرونی واگن‌های مسافری در ایستگاه عملیاتی راه‌آهن مشهد و تهران و نواحی
۲) مدت و محل اجرا: مدت اجرا ۱۲ ماه و محل اجرا ایستگاه عملیاتی راه آهن مشهد و تهران و نواحی می‌باشد.
۳) مهلت خرید، محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه: متقاضیان می‌توانند حداکثر ظرف مدت (۱۰) ده روز از تاریخ درج آگهی (به استثنای جمعه) از ساعت ۸ لغایت ۱۶ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی جهت خرید و دریافت اسناد مناقصه به نشانی: تهران، خیابان شهید مطهری، بعد از چهارراه مفتح، نرسیده به جهانتاب، پلاک ۱۷۳، ساختمان بن‌ریل، واحد تدارکات مراجعه نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکت اسناد تکمیل‌شده مناقصه ساعت ۱۶ روز پنج‌شنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۰۶ به دبیرخانه شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد واقع در طبقه دوم ساختمان بن‌ریل می‌باشد.
۴) مبلغ کارشناسی پروژه به‌شرح ذیل می‌باشد:

ردیف	شرح	قطارهای اقتصادی	قطارهای ۵ ستاره
۱	شستشوی کامل هر واگن در مشهد و تهران ونواحی	۱٫۸۰۰٫۰۰۰	۱٫۸۰۰٫۰۰۰
۲	جرم گیری کامل هر واگن در مشهد و تهران و نواحی	۲٫۲۵۰٫۰۰۰	۲٫۲۵۰٫۰۰۰
۳	نظافت داخلی هر واگن در مشهد و تهران و نواحی	۴٫۰۰۰٫۰۰۰	۷٫۰۰۰٫۰۰۰

• **تمامی مبالغ به ریال و بدون ارزش افزوده می باشند**
۵) متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه مبلغ ۱٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال (معادل یکصد هزار تومان) به‌حساب ۱-۸۸۹۲۱۲۳-۸۱۴-۳۹۲ نزد بانک سینا شعبه پارک ساعی به‌نام شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد، قابل پرداخت در کلیه شعب بانک سینا واریز و فیش پرداختی به‌همراه معرفی‌نامه را به واحد تدارکات شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد به نشانی مندرج در بند ۳، طبقه اول تحویل و نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام فرمایند.

شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد